

جلوه های مقاومت در اشعار حسن حسینی

جولیت خضور^۱

علی اصغر بابا سالار^۲

The resistance literature in the Hasan Hoseini poets Juliit Khador/Ali Asghar Babasalar

The resistance literature is an engaged and attendant kind of literature that describes the society's fight toward anything that threatens its material and spiritual life and, on the other hand, creates the spirit of resistance in the society against every kind of oppression and rape. In contemporary times in Iran, due to disastrous events, including contemporary poets who have been involved in this field, one can point to Hassan Hosseini, who took on the political and social crises of his community.

This research aims to study the effects of resistance literature in Hossein's poetry by descriptive-analytical method. The main findings of this research show that resistance effects such as patriotism, nationalism, cosmopolitan thought, tracing the suffering faces of the people, epic rebellion, praising the warriors, inviting the resistance, defending their nation, colonialism, oppression, Celebration of the martyr, hope for victory, enemy's threat, utopia, mythology, political and social protest and ... in his poems.

Key words: resistance literature, Hasan Hosein, patriotism, oppression, cosmopolitan thought.

چکیده

ادبیات مقاومت نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از یک طرف به شرح و بیان مبارزه جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی خود را تهدید می کند، می پردازد و از طرف دیگر روحیه مقاومت را در جامعه در برابر هرگونه ظلم و تجاوز ایجاد می کند. این نوع ادبی در دوران معاصر در

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، juliit.khador@gmail.com-

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، babasalar@ut.ac.ir

ایران بخاطر حوادثی ناگوار پررنگ شده است، از جمله شاعران معاصر که در این زمینه پرداختند می توان به حسن حسینی اشاره کرد که بحران های سیاسی و اجتماعی جامعه خود را به عهده گرفت. این پژوهش برآن است تا به بررسی جلوه های ادبیات مقاومت در اشعار حسینی با روش توصیفی-تحلیلی بپردازد. یافته های اساسی این پژوهش نشان می دهد که جلوه های مقاومت از قیل وطن پرستی، ملی گرایی، اندیشه جهان وطنی، ترسیم چهره رنج کشیده مردم، رجزهای حماسی، ستایش رزمندگان، دعوت به مقاومت، دفاع از ملت خود، استعمار ستیزی، ظلم ستیزی، تجلیل از شهید، امید به پیروزی، تهدید دشمن، آرمانشهر، اسطوره گرایی، اعتراض سیاسی واجتماعی و... در اشعارش جلوه گر شده اند.

واژگان کلیدی: ادبیات مقاومت، حسن حسینی، وطن پرستی، ظلم ستیزی، اندیشه جهان وطنی

۱-پیشگفتار

ادبیات مقاومت مشتمل بر مضامینی و جلوه هایی است این نوع ادبی را از دیگر انواع ادبی متمایز می سازد، و این جلوه ها برطبق شرایط سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی هر ملتی در ادبیات آن جلوه گر می شود از مهمترین این جلوه ها می توان به وطن پرستی، مقاومت و مبارزه طلبی، ظلم ستیزی، استعمار ستیزی، دفاع از مردم مظلوم، اعتراض و.... اشاره کرد.

گفتنی است که بیشتر ادیبان و شاعران در تمام جهان و در همه ی دوره ها به این حوزه ادبی روی آورده و آثاری ارزشمند در این زمینه خلق کرده اند. در دوران معاصر ایران با حوادثی خونبار مانند انقلاب مشروطیت علیه حاکمان مستبد قاجاری، انقلاب اسلامی علیه حکومت استبدادی پهلوی، دوران دفاع مقدس در برابر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه ایران روبه رو شد که همه این حوادث در ادبیات فارسی انعکاس یافت که می توان از میان شاعران معاصر به حسن حسینی اشاره کرد که در راه مقاومت با سلاح کلمه قدم برداشتند.

این پژوهش برآن است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی مهمترین جلوه های ادبیات مقاومت در اشعار حسن حسینی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. بر همین اساس



ابتدا، ادبیات و مقاومت و جلوه های آن مورد بررسی قرار می گیرد سپس به معرفی مختصری از زندگینامه حسینی و در ادامه به تحلیل مهمترین جلوه های ادبیات مقاومت در اشعارش پرداخته می شود.

۲- بحث

۱-۲- ادبیات مقاومت و جلوه های آن

در باب تعریف ادبیات مقاومت دیدگاه های گوناگونی وجود دارد؛ نویسنده شکری در تعریف آن می گوید: «ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و فجایع مستکبران یا تجاوزگران بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می گوید برخی از آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می پردازد». (شکری، ۱۳۶۶، ۱۰) دکتر بصیری در تعریف ادبیات مقاومت در تعریف ادبیات مقاومت اینچنین می گوید «ادبیات مقاومت نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می کند، به وجود می آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است». (بصیری، ۱۳۸۸، ج ۲، ۲۶)

جلوه های ادبیات مقاومت

دکتر سنگری مولفه های ادبیات مقاومت را اینگونه بیان می کند: «۱- تشویق، تحریض و برانگیختن جامعه به دفاع، مقاومت، صبری و مبارزه ی همه سویه و تمام عیار با تجاوز و تجاوزگر، ۲- ستایش مجاهدان جبهه و پشت جبهه، ۳- دعوت به وحدت، یک پارچگی و پرهیز از تفرقه و گسستگی، ۴- ستایش و تکریم شهیدان و جانبازان، ۵- بهره گیری از نمادهای دینی، آیات و روایات، ۶- تخطئه و تحقیر اشرافیت، بی تفاوتی و دنیا زدگی، ۷- طرح اسوه ها و الگوهای تاریخ اسلام، ۸- بهره گیری از اساطیر، ۹- پیوند دین، مردم و ایران، ۱۰- ستایش امام خمینی و پیروی از وی، ۱۱- امید به آینده و پیروزی، ۱۲- توصیف فضای معنوی جبهه ها، ۱۳- توصیف عناصر رزم و جبهه» (سنگری، ۱۳۸۹، ۲۸-۳۲)

۲-۲- مختصری از زندگینامه حسن حسینی (۱۳۳۵-۱۳۸۳ ش)

حسن حسینی ده روز قبل از فوت ایشان ، خود را در مصاحبه ای اینچنین معرفی می کند : «سید حسن حسینی هشتم ، متولد ۱۳۳۵ محله سلسبیل تهران، بزرگ شده نازی آبادی و نیروی هوایی ، دیپلم طبیعی ،لیسانس تغذیه ، فوق لیسانس و دکترای ادبیات دارم ، و با زبان های عربی ، ترکی و انگلیسی در حد استفاده از منابع و مآخذ و احیانا صحبت کردن و نوشتن آشنا هستم . تقریباً از سال ۱۳۵۲نوشتن و سرودن را آغاز کردم » (نادمی ، ۱۳۸۷ ، ۱۱) بعد از فارغ التحصیلی در همان سالهای جنگ تحمیلی به خدمت سربازی رفت ، ازدواج کرد ، و از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به جمع شاعران و ویسندگان حوزه ی هنری پیوست «سال بعد به خدمت سربازی رفت و تا سال ۱۳۶۱ ، که دومین سالهای دفاع مقدس بود ،دوران سربازی خود را در تهران با نویسندگی برنامه رادیویی ارتش سپری کرد . در همان ایام نیز ازدواج کرد که حاصل آن ازدواج دو فرزند بود : مهدیار و راحیل . سید در ماه های اول پیروزی انقلاب اسلامی ، در سال ۱۳۵۸ ، پا به حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی گذارد . او و جمعی از نویسندگان و هنرمندان همچون استاد محمد رضا حکیمی ، سید مصطفی رخ صفت ، قیصر امین پور ، محسن مخملباف ، و...فعالیت های هنری و ادبی حوزه را راه اندازی و سامان بخشی کردند ، اما سید حسینی در سال ۱۳۶۶ به همراه نوزده تن دیگر از حوزه کنار گرفت .» (ذو الفقاری ، ۱۳۸۶ ، ۶۵۴) حسینی از آغاز جنگ تحمیلی در جبهه های جنگ حاضر بود ، و با سرودن شعر پر شور و رجزخوانی رزمندگان را برای ایستادگی برمی انگیزخت.

«سید حسن حسینی از آغاز دفاع مقدس ، در بسیاری از جبهه ها حضور یافت و همراه با کاروان شاعران متعهد به شعرخوانی برای رزمندگان پرداخت .شعرهای او تا کنون به صورت پراکنده در بیشتر نشریات کثیر الانتشار کشور و جنگ های ادبی و مجموعه شعری های مختلف گرد آوری شده انتشار یافت .» (حبیب آبادی ، ۱۳۸۲ ، ج ۱، ۳۸۸) .حسینی در سال ۱۳۸۳ جان به جان آفرین تسلیم داد «روزی است که نامش را از گنگره ی عرش صدا زدند و او به ندای "ارجعی "لیک گفت .حسینی در شامگاه هشتم فروردین سال ۱۳۸۳ بر اثر ناراحتی قلبی در بیمارستان بوعلی تهران درگذشت



تنهای تنها همانگونه که تنها آمده بود تنها هم رفت. پیکر پاکش پس تشییع با شکوهی در قطعه ی هنرمندان بهشت الزهرا دفن گردید « (ذو الفقاری، ۱۳۸۶، ۶۵۴)

۴-۲- جلوه های مقاومت در اشعار حسینی

۴-۲-۱- میهن پرستی

انسان شریف و مخلص ایجاد می کند. شاعران متعهد و ملتزم، وطن را سرزمین آبا و اجدادی و انتساب و وابستگی به وطن و سرزمین، حس وطن دوستی و عشق ورزی به سرزمین را در سرچشمه همه ارزشها می دانند و بر تقدس خاک وطن قائل هستند. از این دریچه می توانیم به دیدگاه شعرای مورد بحث نگاه کنیم وطن از نگاه حسینی مثل بهشت سرسبز است و همیشه در مقابل طوفان تهاجم بیگانگان و محنتها با سرافرازی و سربلندی ایستادگی و مقاومت می کند. حسینی در غزل «کوثر» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل در این باره می گوید:

«هرگز نمی تواند این باغ را بسوزاند طوفان آتش افروز با یاری تبرها»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۶)

حسینی که تلخی دوران جنگ تحمیلی را مثل همه ایرانیان چشیده بود، نگران آینده وطن خود بود، که از خون شهیدان سیراب می شد و می ترسید وطنش دوباره مورد تهاجم فرودستان قرار بگیرد، و به آیندگان ملت خود هشدار می دهد که مواظب میراث شهیدان باشید.

وی در رباعی «هشدار» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل در این باره اینچنین می سراید:

«هشدار که باغ شوره زاران نشود این خانه مکان لاشخوران نشود
میراث گرانبار شهیدان، هشدار! بازیچه خیل بی تباران نشود»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

وطن حسینی مثل جنگ سرسبز است، هرگز نمی میرد و همیشه زنده می ماند و برپا می ایستد، اگرچه از خنجر خیانتکاران و متجاوزان زخم خورد. او در شعر «تنفس

آتشفشان سرد» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل فریاد کنان می خواند:
 «خنیاگر خزر / فریاد می زند: / «جنگل نمرده است / هر چند بی شمار / در جزر و
 مد خنجر شب زخم خورده است / جنگل نمرده است....» (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۱)

۲-۴-۲- ملی گرایی

گفتنی است که اشعار شاعران متعهد و ملتزم از رنگ و بوی هویت ملی صبغه می گیرد و در ادبیات مقاومت جلوه گر می شود.

حسینی، به وطن خود افتخار می کند و به آن اطمینان می دهد که در مقابل تهاجم بیگانگان پیروز خواهد شد؛ همینطور که از حمله وحشی گری مغول نجات پیدا کرده بود، زیرا که وطن حسینی با عشق بالندگی می کند و مدرسه سربداری است. او در شعر «فرود» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل در این باره می گوید:

«باز کن دید دیده خود را ای دل! / بنگر / در زمانی که زمین را از دو سو /
 برجگر، / تیر تاتار جهانخوار فرود آمده است / وطن - قامت بالنده عشق - سربداری
 است که از دار فرود آمده است.» (حسینی، ۱۳۸۶، ۷۵)

وی همچنین در رباعی «از تبار یاران» از همان مجموعه، به ملت خود افتخار می کند که از نژاد سربداران مازندران و شهیدان پاکدامن است و در این باره می گوید:

«سبزی که از نسل بهاران هستیم پاکیم که از تبار یاران هستیم
 دور است ز ما تن به مزلت دادن ما وارث خون سربداران هستیم»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

ملت حسینی از عشیره شهیدان و دلاوران رویین تن است که مثل نهر کوثر شهیدان بی شمار را در راه وطن تقدیم می کند. او در غزل «کوثر» از همان مجموعه اینچنین می سراید:

«ما از عشیره خون، رویین تنان عشقیم شمشیر ما شهادت ایمانمان سپرها
 این ملت دلاور زین پس بسان کوثر زاید بسی رجایی بسیار باهنرها»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۶)

حسینی در رباعی «مشعله» از همان مجموعه، به نیاکان خود و گذشته پرونوق



ایران افتخار می کند؛ زیرا که شهیدان ایرانی، نوادگان فریدون و کاوه آهنگر هستند که وجود دشمن ضحاک وار را نابود می کنند:

«تا نعره تکبیر بر این خاک زدند مانند ستاره سر به افلاک زدند
کردند بسی مشعله از خون شهید آتش به سراپرده ضحاک زدند»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲۹)

افتخار حسینی به ملت خود در رباعی «پابرجا» از همان مجموعه، به اوج خود می رسد، ملت حسینی با صفات شگفت انگیز در معبر تاریخ و زمان مانند کوه باشکوه و عظمت در مقابل شکست ها و طوفان محنت ها ایستاده و همچنان خواهد ایستاد:

«ما مرغ سحر خوان شگفت آواییم خونین پرو بالیم و شفق سیمایم
در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه صد بار شکسته ایم و پابرجاییم»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۳)

۳-۴-۲- اندیشه جهان وطنی

جلوه اندیشه جهان وطنی در اشعار شاعران مورد نظر به وضوح انعکاس یافت. حسینی در مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل سه بار به مسأله فلسطین اشغالی گاهی با لحن حماسی، رجزخوانی و تهدید آمیز، و گاهی با لحن غم انگیز توجه کرده است. او در رباعی «معبر سرخ» از همان مجموعه با لحن حماسی آزادی قدس از چنگال صهیونیست ها را فریاد می زند و اعلام می کند که راه آزادی قدس از معبر سرخ کربلا خواهد بود و از نظر او تا قدس آزاد شود به کربلای دیگر نیاز دارد و در این باره می گوید:

اینان که ز عرصه بلا می گذرند با زمزمه سرود «لا» می گذرند
تا قدس رها زبند بیداد شود از معبر سرخ کربلا می گذرد»

(حسینی، ۱۳۸۶، ۱۴۵)

حسینی در شعر «عریان» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، با لحن غم انگیز و زبان نمادین به آوارگی مردم فلسطین و با تلمیح به داستان حضرت یعقوب (ع) حضرت یوسف (ع) و پیراهنش در قرآن کریم اشاره کرده است.

حضرت یعقوب نور چشمانش در سرزمین کنعان (فلسطین) است اما آیا امیدی



هست که دوباره با برگشت این ملت بینا شود؟ زیرا که ملت فلسطین یوسف وار آواره از سرزمین خود است:

«پدرم / یعقوبم! / شمع چشمان تو در کنعانت / با کدامین امید / پرتوافشان باشد؟ / یوسفت پیرهنش عربانی است» (حسینی، ۱۳۸۶، ۸۵)

۴-۴-۲- ترسیم چهره رنج کشیده مردم

حسینی در اشعار خود به ترسیم چهره رنج کشیده مردم پرداخته است. حسینی در رباعی «زخم صد ساله» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل به بیان جنایت رژیم شاه ستمکار در حق مردم بی دفاع می پردازد، و به شهادت گروهی از مردم بی ناه در میدان ژاله در یوم الله ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ ش اشاره می کند؛ در این رباعی از واژه مسلخ بمعنی کشتار استفاده می نماید تا تأثیر عمیق در نفوس داشته باشد:

«آن روز که لاله از پی لاله شکفت
بر گونه شرق زخم صد ساله شکفت
پاییز قرون هیچ گزندش نزند
آن گل که درون مسلخ ژاله شکفت»
(حسینی، ۱۳۸۶، ۱۲۸)

۵-۴-۲- دعوت به مقاومت

مایه اصلی اشعار حسینی دعوت به مقاومت و مبارزه است. وی در رباعی «همچو گذر ابر» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل با استفاده از فعل «برخیز» به معنی «قیام کن»، روح قیام را در وجود رزمندگان زنده و مضاعف می کند؛ زیرا که آسیاب جنگ می چرخد و جایی برای درنگ و مکث نیست:

«چون ابر که آرام و روان می گذرد
این قافله با هم سفران می گذرد
هنگامه جنگ است، نه هنگام درنگ
برخیز که بی امان زمان می گذرد»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۱)

از دیدگاه حسینی، خون شهید پیام قیام می دهد و هم مژده فتح و پیروزی می دهد وی با انتخاب کردن عنوان رباعی «پیام قیام» برخیزش و قیام و پیروی از خون شهیدان تأکید می کند:



«بر عشق دوام می دهد خون شهید
از فتح پیام می دهد خون شهید
برخیز که بازبان گویای سکوت
پیام قیام می دهد خون شهید»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

حسینی عقیده دارد که مقاومت و مبارزه یعنی ادامه راه شهید است و وی در «مثنوی عاشقانه» از مجموعه هم صدا با خلق اسماعیل، رزمندگان را به مقاومت و ایثارگری و تجدید بیعت با شهیدان دعوت می کند:

«بیا عاشقی را رعایت کنیم
زیاران عاشق حکایت کنیم
بیا در خدا خویش را گم کنیم
به رسم شهیدان تکلم کنیم
بیا اولین شرط را تن دهیم
بیا تن به از خود گذشتن دهیم
بیا با گل لاله بیعت کنیم
که آلاهیها را حمایت کنیم»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۲-۴۵)

۶-۴-۲- رجزهای حماسی

شاعران مقاومت، رجزهای حماسی را راهی برای تهیج مبارزان و مردم می دانند، که از راه سرودن این رجزها، همت ها را برمی انگیزند و خشم آتشین رزمندگان را به خروش وای دارند.

حسینی در رباعی «والمغیرات صبحا» با لحن حماسی و آتشین، مبارزه و قیام را در رزمندگان ایجاد می کند:

«برخیز شبانه نمره خون بزنیم
از قلعه شب چو ماه بیرون بزنیم
هنگام فلق که آسمان گلگون است
بر لشکر اهریمن شیخون بزنیم»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

وی همچنین در رباعی «خشم کافر سوز» از مجموعه هم صدا با خلق اسماعیل، با رجزهای حماسی، به دلاوری های رزمندگان افتخار می کند:

در مکتب رزم «درس عشق آموز» یم
در خرم دشمنان «شرار فروز» یم
چون خشم خدای خویش کافر سوزیم
در کشتن و در کشته شدن پیرزوزیم
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

حسینی نیز در رباعی «شکست خنجر» از همان مجموعه، رجزخوانی حماسی را



به اوج خود می‌رساند و روحیه مقاومت و مبارزه را در وجود مبارزان و مردم ایجاد می‌کند و ایستادگی آنها را تحسین می‌نماید:

«خونین، خونین این دل آزرده ما دریا، دریا خشم فرو خورده ما
خنجر، خنجر شکست در مشت نفاق احسنت، زهی صلابت گرده ما»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

۷-۴-۲- ستایش و توصیف رزمندگان

حسینی در اشعار خود به ستایش و توصیف رزمندگان می‌پردازد. وی در شعر «خونبها» از مجموعه گنجشک و جبرئیل، از توصیف و ستایش حماسه‌های رزمندگان عاجز است، و در نظر او زبان در مقابل دلاوری‌های آنها لال است:

«با من بگوئید / تکلیف لفظ ناتوان «حماسه» / غیر از سکوت / در مقابل ملکوت
نام شما چیست؟» (حسینی، ۱۳۷۱، ۲۴)

حسینی نیز در «مثنوی شهیدان» از مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل، حماسه رزمندگان را در مقابل دشمن اینگونه توصیف می‌کند:

«نام‌آوران تا نعره‌های خون کشیدند خورشید را از قلب شب بیرون کشیدند
چابک براق عاشقی را زین نهادند پا در رکاب باره دیرین نهادند»

(حسینی، ۱۳۸۶، ۳۹)

۸-۴-۲- امید به پیروزی

شاعر مقاومت باید همیشه خوشبین باشد تا روحیه ظفر و پیروزی را در قلب رزمندگان میدان جنگ و جامعه ایجاد کند.

حسینی همیشه در اشعارش خوشبین است و ایمان به پیروزی دارد. وی در غزل «سنگر نصر من الله» از مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل، که آن را به یاد شهیدان هفتم تیر سروده است، رزمندگان را به جنگیدن تشویق می‌کند و به آنها مژده ظفر و پیروزی می‌دهد؛ زیرا که خداوند یاورشان است، و این بشارت از پیش خود نیست بلکه این وعده الهی در قرآن کریم به رزمندگان در راه حق است:

«ای زده مشعله به شب بارقه باورتان پیش تا صبح ظفر، دست خدا باورتان



بانک تکبیر شما مژده فتحی است قریب تا دژ نصر من الله بود سنگرتان»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۷-۱۸)

حسینی همچنین در رباعی «قلعه فتح» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، به رزمندگان میدان جنگ نوید فتح و پیروزی می دهد؛ بشرط اینکه با ایمان راسخ و توکل بر خدا و با جهد و عزم در راه حق بجنگند و سختی ها را تحمل کنند:

گر جهد کنی و عازم راه شوی از اوج و نشیب راه آگاه شوی
بر قلعه «فتح» می نشینی تو، اگر فریاد گر نصر من الله شوی»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

۹-۴-۲- ستایش و تجلیل از شهید

مضمون شهید و شهادت، یکی از پرکاربردترین مضامین ادبیات مقاومت به شمار می رود. و از اهمیت ویژه ای نزد شاعران و نویسندگان ادبیات مقاوم برخوردار است؛ این اهمیت ویژه از قداستی که این مضمون در قرآن کریم و دیگر ادیان دارد، سرچشمه می گیرد.

حسینی در رباعی «نشان سرفرازی» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، رشادت و دلیری شهیدان را می ستاید، زیرا که مرگ را به بازی گرفتند و رفتند:

«کس چون تو طریق پاک بازی نگرفت بازهم نشان سرفرازی نگرفت
زین پیش دلورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

او در رباعی «فتح» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، شهادت شهید را پیروزی و فتح می داند و در ستودن شهید می گوید:

«بنگر به شکوه سوی حق تاختنش بر قلعه عشق پرچم افراختنش
فتح است در این معرکه سر دادن او برد است در این میانه جان باختنش»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

شهید از «من» خلاص یافت، و همه وجود خود «ما» شد که او را به «فناء فی الله» رسانید، و وقتی ندای «هل من ناصر ینصرنی» از دشت کربلا می شنود با عزت و سرافرازی از خود می گذرد و پاسخ ندا می دهد. حسینی در رباعی «گذشت» از همان

مجموعه، ایثار گری شهید را اینگونه می ستاید:

«بنگر که چگونه «من» رها کرد و گذشت
از خویش بریده عزم «ما» کرد و گذشت
«هل من.....» چو شنید، پای در راه نهاد
بر خون حسین (ع) اقتدا کرد و گذشت»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

۱۰-۴-۲- تهدید دشمن

تهدید دشمن در جای جای اشعار شاعران مورد نظر جلوه گر شده است، حسینی در رباعی «آتش محض» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، به منافقین و خائنین ملت خود هشدار می دهد که در مقابل ضربه های مانند آتش محض مقاومت می کنیم:

«هر چند به دل خون جگر، می گذرد
خون در رگ ما به شوق و گرمی، گذرد
ما آتش محضیم منافق هشدار!
پولاد از این کوچه به نرمی می گذرد»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

حسینی در رباعی «فریاد تفنگ» از همان مجموعه، دشمن را تهدید می کند که اگر به فکر جنگ با ما هستید ما آماده ایم و می جنگیم تا پیروز شویم و با لحن حماسی می گوید:

«تا دشمن دین به جنگمان می آید
از خوف و درنگ ننگمان می آید
فریاد بلند جنگ تا پیروزی
از حنجره تفنگمان می آید»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

حسینی نیز در رباعی «استقبال گرم» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، دشمن را با لحن حماسی تهدید می کند که ترا با بارون تفنگمان استقبال می کنیم:

«خضم آمده ای تفنگ مبهوتش کن
از راه رسیده چاره قوتش کن
تا لطف تو جا در دل وجانش گیرد
مهمان طعام سرب و باروتش کن»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۰)

۱۱-۴-۲- استناد به متون مقدس دینی

استفاده از روایات و متون مقدس دینی و مذهبی از وجوه اصلی تمایز ادب مقاومت ایران و عرب است. ادبا و شاعران مقاومت بر مفاهیم و مضامین دینی



استناد می کنند تا جامعه را با مصداق ها و باورهای دینی و مذهبی به خود جلب کنند؛ و روحیه مقاومت را در مردم برانگیزند.

حسینی از مضامین قرآنی چه به شکل تلمیحی یا تضمینی استفاده زیبایی کرده است.

حسینی در «غزل رخان» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، با تلمیح به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (الاحزاب، ۷۲)، و آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)، شهیدان را می ستاید:

«بار امانتی که فلک برنتافتش بر دوش جان نهاده در این راه برده اند
روزی خوران سفره عشقاند تا ابد ای زندگان خاک! مگویید مرده اند»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰)

حسینی در رباعی «قله فتح» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، با تلمیح به آیه: «وَأُخْرَىٰ تَحْبُونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بُشْرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ...» (الصف، ۱۳) رزمندگان میدان جنگ را دعوت به توکل بر خدا و جنگیدن می کند و به آنها بشارت پیروزی وعده الهی می دهد:

«گر جهد کنی و عازم راه شوی از اوج و نشیب راه آگاه شوی
بر قله «فتح» می نشینی تو، اگر فریادگر نصر من الله شوی»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

حسینی نیز عنوان غزل «سنگر نصر من الله» را از همان آیه ۱۳ از سوره صف تضمین کرده است که در آن با تلمیح به این آیه به رزمندگان مژده ظفر و پیروزی می دهد:

«با بانگ تکبیر شما مژده فتحی است قریب تا در نصر من الله بود سنگرتان»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۹)

۱۲-۴-۲- آرمانشهر

آرمانشهر همان مدینه فاضله افلاطون (اتوپیا) است؛ شهری که همه به دنبال آن هستند، تا در سایه عدل، آزادی و برابری زندگی کنند؛ و در آن جایی برای ظلم، فساد،



قتل و خونریزی نداشته باشد.

حسینی، آرمانشهر را در سایه ظهور منجی موعود امام مهدی (عج) می داند، و در جای جای اشعار خود این اندیشه به وضوح نمایان است.

وی در غزل «وارث نور» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، به منتظران و شب زنده داران مژده آینده ای جدید پر از آزادی و عدالت با ظهور امام الزمان (عج) می دهد؛ آنگاه ظلم و جور با آمدنش از بین می رود.

«جسمی دگر می آید ای شب زنده داران از قله های پرغبار روزگاران
از بی کران سبز اقیانوس غیبت می آید او تا ساحل چشم انتظاران
آید به گوش از آسمان: این است مهدی! خیزد خروش از تشنگان: این است باران!
با تیغ آتش می درد آن وارث نور در انتهای شب گلوی نابکاران»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۳۱)

۱۴-۴-۲- اعتراض به افول ارزش ها

وظیفه شاعر متعهد دو جنبه دارد، جنبه اول مقاومت در برابر دشمن خارجی، و دومی مقاومت در برابر دشمن داخلی است و با زبان اعتراض هر دو دشمن را رسوا می نماید.

حسینی در رباعی «هشدار» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، نگران افول ارزش های دوران جنگ و دفاع مقدس است و به ملت خود هشدار می دهد که:

حسینی در رباعی «هشدار» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، نگران افول ارزش های دوران جنگ و دفاع مقدس است و به ملت خود هشدار می دهد که:

«میراث گرانبار شهیدان، هشدار بازپچه خیل بی تباران نشود»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

دل حسینی در رباعی «صادقانه» از همان مجموعه، از نفاق و دروغ در جامعه گرفته است، و با زبان حسرت آمیز آرزوی یک ذره صداقت شهیدان این ملت می کند و صادقانه می گوید:

«ای کاش سخت آیینۀ جانم بود جان عرصه ترک تاز جانانم بود
دل، تنگ شد از نفاق دیرین، ای کاش یک ذره صداقت شهیدانم بود»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۲)



۱۵-۳-۲- اسطوره گرایی

شاعران مقاومت نیز، به منظور عمق بخشی و ابهام آفرینی در بیان شعری، اندیشه های خود را با زبان اسطوره ای و نمادین بیان می نمایند تا بیان شعری خود را ژرفا بخشند و بر زیبایی آن بیفزایند، و در ضمن افتخار و یادآوری به گذشته پررونق ملت خویش، و روحیه مقاومت را در جامعه تقویت نمایند.

همه می دانند که شاهنامه فردوسی تجلی گاه اساطیر ملی ایران به شمار می رود، از این رو داستان ها و الگوهای پهلوانی آن در آثار دوره معاصر و به ویژه در طول جنگ تحمیلی برای ایجاد وحدت و حفظ هویت ملی ایران بازتاب پیدا کرده است. اسطوره های ملی مانند کاوه، ضحاک، آرش کمانگیر، رستم، بیژن و منیژه، درفش کاویانی، روین تن و در شعر معاصر ایران و مقاومت فراوان به چشم می خورد.

اسطوره ضحاک و کاوه آهنگر در ادبیات مقاومت ایران به وفور انعکاس یافت؛ زیرا که این اسطوره از یک سو نماد ظلم ستیزی و دادخواهی و از سوی دیگر یادآور گذشته پررونق ملت ایران به شمار می رود.

حسینی در «مثنوی شهیدان» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، با تلمیح به داستان ضحاک و مارانی که بر دوش او روئیده به توصیف رژیم صدام ضحاک وار و به ترسیم جنایت او در حق ملت ایران می پردازد:

«دیو سیاهی مظهر تلواسه شب می خورد مغز اختران در کاسه شب
در باغها جای صنوبردار می رست بر کتف ظلمت ساقه های مار می رست
ماران سر از سوراخ بیرون می کشیدند مغز سر نام آوران را می میکیدند»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۳۸)

حسینی در غزل «فریاد» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، با اشاره به داستان چاه بیژن و رستم، خواستار خلاص و نجات مردم ایران از چاه طاغوت رژیم پهلوی شد که امام خمینی (ره) همان رستم نجات دهنده بیژن های ملت از چاه ظلمت است:

«چاه شب را بیژن من، بیژنم رستمی ز چاه شب آزاد کو»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۹۱)

حسینی در غزل «فریاد» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل، با تلمیح به داستان فرهاد، از قهرمان روزگار خود «امام خمینی (ره)» که در عشق ورزی به وطن فرهادوار است، جستجو کند.

«بیستون شب مهیب است و بلند عاشقی با تیشه فرهاد کو»
(حسینی، ۱۳۷۰: ۹۱)



شاعر معاصر به گفتهٔ مولانا «باید ابن الوقت باشد»؛ نباید در صدف گذشته زندان بماند، نباید در رؤیاهای آینده فرو برود، بلکه باید در زمان حاضر زندگی کند. و این حال شاعران مقاومت است؛ آنها با نگاه تازه به تلفیق مضامین اسطوره‌ای ملی، تاریخی، دینی و عرفانی دست زدند؛ و یک اسطوره‌ای با رنگ و بوی جدید ابتکار و بازآفرینی کردند. حسینی و مردانی از جمله شاعرانی هستند که در آثارشان اسطوره تلفیقی به وفور مشاهده می‌شود. حسینی در شعر «گنج در دیوار» از مجموعهٔ گنجشک و جبرئیل، هنرمندانه با تلفیق مضامین ملی و دینی، اسطوره‌ای جدید را بازآفرینی کرد؛ و رزمندگان میدان جنگ را به خواندن قرآن و آنگاه به نبرد با دشمن ازدهاوار و دیوصفت با شمشیر امام علی (ع) ذوالفقار برمی‌انگیزد:

«قرآن بخوان / آن گاه / با ذوالفقار / بر ازدها بتاز / دیوار رابکوب / خورشید رافضی / در انتظار توست» (حسینی، ۱۳۷۱: ۴۴)

حسینی همچنین در «مثنوی شهیدان» از مجموعهٔ هم‌صدا با حلق اسماعیل، عناصر اسطوره‌ای ملی، دینی و عرفانی را در توصیف شهیدان تلفیق کرده است. اسب شهیدان مانند اسب ابراق، اسب دیرین (رخش) و اسب امام حسین (ع) ذوالجناح است، و در راه عشق الهی تا معراج پیامبر (ص) جان خود را مانند حسین به منصور حلاج نثار کردند:

«چابک براق عاشقی را زین نهادند پا در رکاب بارهٔ دیرین نهادند
با ذوالجناح نور تا معراج راندند تا وعده‌گاه عشق تا حلاج راندند»

(حسینی، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۰)

۳- نتیجه‌گیری

از بررسی تطبیقی جلوه‌های مقاومت در اشعار حسینی می‌توان به این نتیجه رسید که جلوه‌های مقاومت در اشعارش جلوه‌گر شدند. مضمون وطن و سرزمین از مضامین عمدهٔ شعر مقاومت در ادبیات ایران محسوب می‌شود؛ میهن پرستی، انتساب به وطن و سرزمین، اندیشهٔ جهان وطنی در آثار حسینی به وفور دیده می‌شود. وی به ترسیم چهرهٔ رنج کشیدهٔ مردم پرداخت و مسئله فلسطین را به عهده گرفت و از آن در



اشعار خود دفاع نمود . جلوه مقاومت و مبارزه خمیرمایه ادبیات مقاومت به شمار می رود که در اشعار حسینی به وفور به چشم می خورد ، وی ملت خود را به مقاومت و نبرد با دشمن دعوت کرد و گاهی رجزهای حماسی را برای تهییج همت مردم و رزمندگان به کار برد و امید به پیروزی را در روح ملت خود دمید . جلوه شهید و شهادت ستون اساسی ادبیات مقاومت است که در اشعار حسینی نمایان است وی به بزرگداشت و ستایش شهید پرداخت . همچنین به تهدید دشمن با زبان آتشین پرداخت . جلوه دین ابلشخور ادبیات مقاومت در ایران به شمار می رود که در اشعار حسینی به وضوح آشکار است . جلوه آرمانشهر در اشعار او جلوه گر شده است و شایان ذکر است که آرمانشهر از دیدگاه حسینی در سایه ی ظهور منجی موعود امام مهدی ع محقق می شود . جلوه اعتراض خمیرمایه ی ادبیات مقاومت در ایران است که در اشعار حسینی به وفور انعکاس یافت علاوه بر آن جلوه اسطوره گرایی در اشعار حسینی نمایان است



کتاب نامه

قرآن کریم

- بصیری، محمد صادق، (۱۳۸۸)، سیر تحلیل شعر مقاومت در ادبیات فارسی از آغاز تا عصر پهلوی، جلد اول، کرمان: دانشگاه شهید با هنر
- حبیب آبادی، پرویزیکی، (۱۳۸۲)، حماسه های همیشه، تهران: فرهنگ گستر و صریر
- حسینی، حسن، (۱۳۸۶)، هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: انتشارات سوره مهر
- _____، (۱۳۷۱)، گنجشک و جبرئیل، تهران: نشر افق
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۶)، سر دلبران معرفی چهره های ادب معاصر، تهران: انتشارات مازیار
- سنگری، محمد رضا، (۱۳۸۹)، ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
- شکری، غالی، (۱۳۶۶)، ادب مقاومت، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: نشر نو
- نادمی، سید احمد، (۱۳۸۷)، شمشیر باستانی شرق، تهران: انتشارات هنر و رسانه

